

با نمایندگان مردم در مجلس نهم
۱. جایگاه مجلس در نظام حقوقی
جمهوری اسلامی ایران

به نام خدا

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
چکیده.....	۲
مقدمه.....	۲
۱. آشنایی با قوه مقننه در نظام حقوقی ایران.....	۳
۱-۱. کارویژه‌های اصلی قوه مقننه.....	۴
۱-۱-۱. قانونگذاری.....	۴
۱-۱-۲. نظارت بر امور کشور.....	۹
۱-۲. نظارت مجلس بر مجلس.....	۱۰
۲. ارتباط مجلس با نهادهای حکومتی.....	۱۱
۲-۱. ارتباط با رهبری.....	۱۱
۲-۱-۱. تنظیم روابط مجلس شورای اسلامی با سایر قوا توسط رهبری.....	۱۲
۲-۱-۲. حل اختلاف میان مجلس و سایر نهادها توسط رهبری.....	۱۲
۲-۱-۳. نظارت بر مجلس شورای اسلامی توسط رهبری.....	۱۲
۲-۱-۴. لزوم اجرا و حرکت در راستای سیاست‌های کلی نظام.....	۱۲
۲-۱-۵. صدور فرمان اجرای همه‌پرسی توسط رهبری.....	۱۳
۲-۲. ارتباط با قوه مجریه.....	۱۳
۲-۲-۱. نظارت سیاسی بر مقامات قوه مجریه.....	۱۳
۲-۲-۲. بررسی و تصویب لوایح (به‌ویژه لوایح برنامه و بودجه).....	۱۴
۲-۲-۳. نظارت استصوابی بر تصمیمات مهم اجرایی.....	۱۴
۲-۲-۴. نظارت رئیس مجلس بر مقررده‌گذاری‌های قوه مجریه.....	۱۵
۲-۲-۵. امکان یا الزام به شرکت رئیس‌جمهور و وزرا در مجلس.....	۱۵
۲-۳. ارتباط با قوه قضائیه.....	۱۶
۲-۳-۱. بررسی و تصویب لوایح قضایی.....	۱۶
۲-۳-۲. بررسی و تصویب بودجه قوه قضائیه.....	۱۶
۲-۳-۳. انتخاب حقوق‌دانان شورای نگهبان از میان افراد معرفی شده توسط رئیس قوه قضائیه.....	۱۷

- ۱۷..... وزیر دادگستری ۲-۳-۴
- ۱۸..... ارتباط با سایر نهادهای حکومتی ۲-۴
- ۱۸..... مجمع تشخیص مصلحت نظام ۲-۴-۱
- ۱۹..... شورای عالی انقلاب فرهنگی ۲-۴-۲
- ۲۰..... صداوسیما ۲-۴-۳
- ۲۱..... شورای نگهبان ۲-۴-۴
- ۲۳..... شوراهای اسلامی ۲-۴-۵
- ۲۵..... منابع و مآخذ.....



با نمایندگان مردم در مجلس نهم ۱. جایگاه مجلس در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

پیشگفتار

جایگاه مجلس شورای اسلامی در مقام «خانه ملت» که «عصاره فضایل مردم» است و در جایگاه مرجع انحصاری قانونگذاری در کشور که صلاحیت نظارت بر امور کشور را هم دارد به قدری والا است که معمار کبیر انقلاب اسلامی خمینی روح الله این جایگاه را در رأس امور دانست. وظیفه نمایندگی و وظیفه الهی در مقام نمایندگی مردم در نظام اسلامی است و نمایندگان محترم مجلس ضروری است که با علم و عمل به این تکلیف عمل نموده و پاسدار حقوق مردم شریف بوده و در تحقق اهداف انقلاب اسلامی تلاش نمایند.

مهمترین وظیفه مجلس شورای اسلامی و نمایندگان محترم مجلس، قانونگذاری و نظارت بر حسن اجرای قوانین مصوب است. بدیهی است برای کارآمدی و اثربخشی هرچه بیشتر فعالیت‌هایی که در بازه زمانی چهارساله دوره نهم مجلس در این دو عرصه انجام می‌گیرد لازم است تا نمایندگان محترم توجه خود را معطوف به موضوعات و مسائلی نمایند که تأثیر قانونگذاری آنها در نظام اجرایی کشور بادوام و فراگیر بوده و تضمین‌کننده توأمان توسعه و عدالت باشد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در راستای ارائه خدمت به نمایندگان محترم مبادرت به تهیه یک بسته اطلاع‌رسانی در موضوعات مختلف نموده است تا اطلاعات لازم و مورد نیاز اولیه را جهت نمایندگان برگزیده مردم در دوره نهم مجلس تأمین نماید و چنانچه نمایندگان برگزیده در موضوعاتی اطلاعات کمتری را داشته باشند با استفاده از این مجموعه امکان افزایش سطح دانش آنان در این موارد فراهم شود. موضوعاتی که در این سلسله گزارشات انتخاب شده‌اند در موضوعات مختلف حقوقی، سیاسی، اقتصادی، برنامه و بودجه، اجتماعی، زیربنایی، انرژی و صنعت و معدن با همین رویکرد برگزیده و اولویت‌گذاری شده‌اند.

امید است آنچه انتشار یافته و در اختیار قرار گرفته قابل استفاده و مفید باشد و اطلاعات اولیه لازم مورد نیاز را برای نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی فراهم نماید. همچنین امید است دوره نهم مجلس شورای اسلامی با همکاری تمام نهادهای مؤثر در سیاستگذاری و همت نمایندگان

شاهد دوره‌ای پربار و کارآمد از نظام قانونگذاری باشیم که مرضی حضرت حق جل و علا و حضرت بقیه‌الله قرار گیرد.

چکیده

مجلس شورای اسلامی به‌عنوان یکی از مهمترین نهادهای حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران صلاحیت انحصاری قانونگذاری را برعهده داشته و با اعمال نظارت‌های مختلف سیاسی و مالی بر سایر نهادها جایگاهی ویژه در این نظام می‌یابد. مهمترین کارویژه‌های مجلس، «قانونگذاری» و «نظارت» است و مجلس از طریق این دو کارویژه نقشی بسزا در روند اداره جامعه خصوصاً ترسیم چارچوب‌های کلی و نظارت بر عملکرد نهادها ایفا می‌کند. در این راستا مجلس شورای اسلامی ارتباط‌هایی با سایر نهادهای اساسی خواهد داشت که اهم این موارد به تفکیک مورد اشاره قرار خواهند گرفت. آنچه در این میان مهم است برقراری تعامل سازنده و کارآ در عین حفظ استقلال سایر قوا زیر نظر مقام معظم رهبری است تا مجلس بتواند از این رهگذر تکالیف قانونی خود را به بهترین وجه ایفا نماید.

مقدمه

قانون اساسی به‌عنوان سندی که ساختار، شیوه و قواعد حاکم بر نهادهای حکومتی و جامعه سیاسی ایران اسلامی را مشخص کرده است، مهمترین مرجع جهت تشخیص و تبیین نحوه تنظیم روابط قوای سه‌گانه و تقسیم وظایف میان آنها به‌شمار می‌آید.

به همین دلیل به‌منظور بازشناسی و تعیین صلاحیت‌های هریک از قوای سه‌گانه و دیگر نهادهای حاکم در جمهوری اسلامی ایران لازم است به اصول قانون اساسی رجوع شود. بر این اساس اصل پنجاه‌وهفتم قانون اساسی مقرر داشته «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت برطبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند» و پس از آنکه اصل پنجاه‌هشتم قانون اساسی تنها مرجع قانونگذاری را مجلس شورای اسلامی معرفی می‌کند و البته اصل پنجاه‌ونهم قانون اساسی نیز همه‌پرسی را به‌عنوان یک شیوه قانونگذاری در کنار آن مطرح می‌نماید، اصل شصتم قانون اساسی اعمال قوه مجریه را در صلاحیت رئیس‌جمهور و هیئت وزیران اعلام کرده و اصل شصت‌ویکم قانون اساسی نیز اعمال قوه قضائیه را برعهده دادگاه‌های دادگستری دانسته است.



در نتیجه قوای سه‌گانه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران باید بر مبنای الگوی استقلال و تعاون (یا همکاری) اقدام به تقسیم وظایف حکومتی میان یکدیگر کرده و با همکاری یکدیگر امور کشور را سامان بخشند و در این راستا تنظیم روابط قوای سه‌گانه و نظارت بر آنها نیز بر عهده ولایت مطلقه امر است که مطابق اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی قوای سه‌گانه زیر نظر وی می‌باشند.

جهت تبیین جایگاه مجلس در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به اهم وظایف قوه مقننه و نحوه ارتباط این قوه با سایر قوا و نهادهای حکومتی پرداخته و جایگاه این نهاد را در منظومه نهادهای اساسی با بهره‌گیری از اصول قانون اساسی بیان خواهیم داشت. در نهایت با عنایت به عام بودن صلاحیت تقنینی مجلس شورای اسلامی و با عنایت به لزوم حفظ استقلال قوا در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، به بیان محدودیت‌های این قوه خواهیم پرداخت.

خلاصه کلام آنکه آنچه در این ساختار مهم است از سویی عمل در چارچوب وظایف هر یک از قوا و عدم تجاوز به اختیارات سایر قوا به منظور حفظ استقلال یکدیگر و از سویی دیگر همکاری و هماهنگی این قوا و نهادها در راستای وصول به اهداف نظام اسلامی است.

۱. آشنایی با قوه مقننه در نظام حقوقی ایران

یکی از قوای مهم در هر کشوری، قوه مقننه است که در آرای عمومی مردم ریشه دارد و به نمایندگی از همه مردم قانون وضع می‌کند و بر دیگر سازمان‌ها، قوا و نهادهای دیگر حکومتی نیز نظارت دارد.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز قانون اساسی اعمال قوه مقننه را به دو صورت مقرر داشته است: روش عادی اعمال قوه مقننه به صورت غیرمستقیم است. این روش از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحل قانونی برای اجرا به قوه مجریه ابلاغ می‌گردد. اعمال قوه مقننه به صورت مستقیم نیز در موارد استثنایی مطابق اصل پنجاه و نهم قانون اساسی صورت می‌گیرد. بدین صورت که در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم انجام شود. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

قوه مقننه جمهوری اسلامی مبتنی بر نظام تک‌مجلسی است در مقابل نظام‌های دو مجلسی که متشکل از یک مجلس نمایندگان و یک مجلس سنا هستند، البته ذکر این نکته ضروری است که مطابق اصل نود و سوم قانون اساسی مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار

قانونی ندارد. گزارش حاضر در نظر دارد به صورت اجمالی نقش مجلس در اداره کشور و ارتباطات آن با سایر نهادهای حکومتی را بیان نماید. در این راستا در گام اول آشنایی با کارویژه‌های اصلی مجلس شورای اسلامی ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۱. کارویژه‌های اصلی قوه مقننه

کارویژه‌های اصلی مجلس در نظام حقوق داخلی همچون غالب نظام‌های حقوقی دنیا دو وظیفه مهم «قانونگذاری» و «نظارت» است. مجلس شورای اسلامی با بهره‌گیری از این کارویژه‌ها یا صلاحیت‌های خود نقش چشمگیری در روند اداره جامعه ایفا می‌کند، البته مجلس شورای اسلامی دارای برخی صلاحیت‌ها یا تکالیف خاص در رابطه با سایر قوا و نهادهای خاص است که این قسم از صلاحیت‌ها نیز ذیل مبحث بعدی ارائه خواهند شد. آنچه در این قسمت ارائه می‌گردد صلاحیت‌های عام مجلس است که ناظر به کل کشور بوده و امکان اعمال آنها بر تمامی نهادها و قوا وجود دارد.

۱-۱-۱. قانونگذاری

قانون اساسی، مجلس را قانونگذار نامیده است و لذا تقنین در صلاحیت انحصاری مجلس قرار دارد. مطابق اصل هفتادویکم قانون اساسی «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند».

همچنین قانون اساسی تعیین تکلیف در مورد برخی موضوعات را به طور خاص به «قانون» سپرده است که در این موارد مرجع دیگری جز مجلس، حق مداخله و تصمیم‌گیری ندارد. صلاحیت عام قانونگذاری مجلس را ذیل سه سرفصل تبیین خواهیم کرد.

الف) امکان ترسیم ضوابط کلی از طریق قانونگذاری

مجلس شورای اسلامی می‌تواند با استناد به صلاحیت تقنینی خود از طریق وضع قواعد الزام‌آوری که همگان ملزم به رعایت و اجرای آنها هستند، خط‌مشی و چارچوب کلی اداره جامعه را ترسیم کند. البته باید توجه داشت مجلس در قانونگذاری‌های خود محدودیت‌ها و الزاماتی را خواهد داشت.

مسئله‌ای که در اینجا باید به آن توجه شود، توجه به معنای «قانون»^۱ است. چراکه براساس اصل هفتادویکم قانون اساسی، به مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی صلاحیت قانونگذاری سپرده شده است. در نتیجه مجلس شورای اسلامی تنها می‌تواند اقدام

۱. قانون دارای دو معنای عام و خاص است. قانون به معنای عام «گزاره‌های بایدها و الزام‌آور» فارغ از مرجع تصویب آن است ولی قانون به معنای خاص، همان گزاره‌هاست در صورتی‌که به تصویب مجلس برسد. در اصل هفتادویکم قانون اساسی منظور از قانون، قانون به معنای خاص است.



به وضع «قانون» نماید و صلاحیت وضع مقررہ دیگری به او اعطا نشده است. «قانون» فی نفسه دارای شرایط و ویژگی‌های خاصی است که باید رعایت شود و لذا برای تصویب «قانون» به استناد اصل هفتادویکم قانون اساسی رعایت شرایط و ضوابط «قانون» ضرورت خواهد داشت.

در تعریف قانون نیز به اختصار می‌توان گفت قانون گزاره‌ای بایده‌نگار و عام است که توسط مجلس تصویب شده و به تأیید شورای نگهبان رسیده باشد.^۱ لذا «عام بودن» و «غیرشخصی بودن» را می‌توان مهمترین شرط برای «قانون» دانستن مصوبه مجلس قلمداد کرد، البته حقوقدانان شرایط و ویژگی‌های دیگری را نیز برای قانون قائل شده‌اند.^۲ اما تأمل در موضوعاتی که وضع مقررہ در مورد آنها به «قانون» محول شده است، بیشتر کلی و عام بودن قانون را نشان می‌دهد.

صرفنظر از لزوم انطباق مصوبه مجلس شورای اسلامی با عنوان «قانون»، قلمرو قانونگذاری مجلس شورای اسلامی مطابق اصل هفتادویکم قانون اساسی در محدوده قانون اساسی و موازین اسلامی عام است و لذا می‌توان گفت تنها محدودیت‌های حاکم بر صلاحیت قانونگذاری مجلس شورای اسلامی مطابق اصول هفتادویکم و هفتادودوم قانون اساسی منبعت از دو محور قانون اساسی و موازین شرعی خواهد بود.

در نتیجه مجلس می‌تواند با بهره‌گیری از این صلاحیت عام خود در امور مختلف کشور دخالت کرده و چارچوب‌های کلی و ضوابط آن را مشخص سازد.

ب) قانونگذاری تکلیفی و انحصاری

قانون اساسی در مواردی به‌طور خاص تصویب ضوابط مربوط به برخی موضوعات را تنها در صلاحیت مجلس شورای اسلامی قلمداد نموده است که ورود سایر قوای سه‌گانه در این حوزه انحصاری مغایر قانون اساسی خواهد بود. در نتیجه تعیین تکلیف راجع به این موضوعات تنها به‌وسیله قانون مصوب مجلس امکان‌پذیر است. این موارد مطابق اصول متعدد قانون اساسی به‌شرح زیر است:

۱. تعیین موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراهای اسلامی و شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و نحوه انتخاب و نظارت شوراها و سلسله‌مراتب آنها و تعیین مرجع تشخیص انحراف، ترتیب انحلال و طرز تشکیل مجدد آنها (اصول هفتم و یکصدم و

۱. سیامک ره‌پیک، گزارش نشست علمی تخصصی پیرامون مرز امور تقنینی و اجرایی، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، تابستان ۱۳۸۹.

۲. از باب نمونه ر.ک:

- محمد راسخ، بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری، مرکز پژوهش‌های مجلس، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴، صص ۲۷-۴۷؛
- محمد راسخ، ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون، نشریه مجلس و پژوهش، ش ۵۱، ۱۳۸۵،
- ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ ۴۸، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.

- یکصد و ششم قانون اساسی)،
۲. تعیین شرایط، حدود و کیفیت امر به معروف و نهی از منکر (اصل هشتم قانون اساسی)،
۳. تعیین حدود آزادی اقلیت‌های دینی در انجام مراسم دینی (اصل سیزدهم قانون اساسی)،
۴. تعیین موارد جواز تعرض به حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص (اصل بیست و دوم قانون اساسی)،
۵. تفصیل موارد مربوط به آزادی نشریات و مطبوعات (اصول بیست و چهارم و یکصد و پنجاه و نهم قانون اساسی)،
۶. تعیین موارد جواز استراق سمع و تجسس و امثال آن (اصل بیست و پنجم قانون اساسی)،
۷. تأمین نمودن برخورداری تأمین اجتماعی برای همگان (اصل بیست و نهم قانون اساسی)،
۸. تعیین موارد و ترتیبات دستگیری افراد و مجازات متخلفان از این ترتیبات (اصل سی و دوم قانون اساسی)،
۹. تعیین موارد تبعید افراد یا اجبار افراد به اقامت یا منع آنها از اقامت در محلی خاص (اصل سی و سوم قانون اساسی)،
۱۰. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها (اصل سی و چهارم قانون اساسی)،
۱۱. تعیین مجازات و ترتیبات اجرای آن (اصول سی و ششم و سی و هشتم قانون اساسی)،
۱۲. تعیین موارد کسب تابعیت جمهوری اسلامی ایران (اصل چهل و دوم قانون اساسی)،
۱۳. تعیین ضوابط، قلمرو و شرایط بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی در اقتصاد (اصل چهل و چهارم قانون اساسی)،
۱۴. تعیین تفصیل و ترتیب استفاده از انفال و ثروت‌های عمومی (اصل چهل و پنجم قانون اساسی)،
۱۵. تعیین ضوابط مالکیت شخصی (اصل چهل و هفتم قانون اساسی)،
۱۶. وضع مالیات و تعیین موارد معافیت، بخشودگی و تخفیف مالیاتی (اصل پنجاه و یکم قانون اساسی)،
۱۷. تعیین ترتیب تهیه لایحه بودجه و تغییر در ارقام بودجه (اصل پنجاه و دوم قانون اساسی)،
۱۸. تعیین مواردی که می‌توان از محل بودجه عمومی پرداخت کرد (اصل پنجاه و سوم قانون اساسی)،
۱۹. تعیین تشکیلات دیوان محاسبات کشور و نحوه فعالیت آن (اصول پنجاه و چهارم و پنجاه و پنجم قانون اساسی)،
۲۰. تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان (اصل شصت و چهارم قانون اساسی)،
۲۱. تصویب آیین‌نامه داخلی مجلس (اصل شصت و پنجم قانون اساسی)،
۲۲. شرح و تفسیر قوانین (اصل هفتاد و سوم قانون اساسی)،
۲۳. تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت (مجلس



- می‌تواند این امر را به دولت واگذار کند) (اصل هشتادوپنجم قانون اساسی)،
۲۴. تعیین نحوه تشکیل و وظایف شورای عالی استان‌ها (اصل یکصدویکم قانون اساسی)،
۲۵. تعیین چگونگی تشکیل و حدود وظایف و اختیارات شوراهای متشکل از نمایندگان اعضای واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی (اصل یکصدوچهارم قانون اساسی)،
۲۶. تعیین نحوه برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری (اصل یکصدوشانزدهم قانون اساسی)،
۲۷. تشکیل انجمن نظارتی برای نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری قبل از تشکیل شورای نگهبان (اصل یکصدوهجدهم قانون اساسی)،
۲۸. تعیین بخشی از اختیارات و وظایف رئیس‌جمهور (اصل یکصدویست‌ودوم قانون اساسی)،
۲۹. تعیین تعداد وزیران و حدود اختیارات آنها (اصل یکصدوسی‌وسوم قانون اساسی)،
۳۰. تعیین موارد مهم جهت صلح و ارجاع به داوری درباره اموال عمومی و دولتی (اصل یکصدوسی‌ونهم قانون اساسی)،
۳۱. تعیین ترتیب ترفیع درجه نظامیان و سلب آن (اصل یکصدوچهل‌ونهم قانون اساسی)،
۳۲. تعیین حدود وظایف و قلمرو مسئولیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (اصل یکصدوپنجاهم قانون اساسی)،
۳۳. تعیین قسمتی از امور حسبیه که قوه قضائیه در مورد آن اقدام کند (بند «۱» اصل یکصدوپنجاه‌وششم قانون اساسی)،
۳۴. تعیین چگونگی استخدام قضات، عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و مشاغل و ترفیع آنها و امثال آن (بند «۳» اصل یکصدوپنجاه‌وششم و اصل یکصدوشصت‌وچهارم قانون اساسی)،
۳۵. تعیین مسئولیت‌های دیوان عالی کشور (اصل یکصدوشصت‌ویکم قانون اساسی)،
۳۶. تعیین صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی (اصل یکصدوشصت‌وسوم قانون اساسی)،
۳۷. تعیین نحوه انتخاب، شرایط و اختیارات هیئت منصفه (اصل یکصدوشصت‌وهشتم قانون اساسی)،
۳۸. تعریف جرم سیاسی (اصل یکصدوشصت‌وهشتم قانون اساسی)،
۳۹. تعیین نحوه تشکیل و فعالیت محاکم نظامی (اصل یکصدوهفتادودوم قانون اساسی)،
۴۰. تعیین حدود اختیارات و نحوه فعالیت دیوان عدالت اداری (اصل یکصد‌و هفتادوسوم قانون اساسی)،
۴۱. تعیین حدود اختیارات و وظایف سازمان بازرسی کل کشور (اصل یکصدوهفتادوچهارم قانون اساسی)،
۴۲. تعیین خط‌مشی و ترتیب اداره سازمان صداوسیما و نظارت بر آن (اصل یکصدوهفتادوپنجم قانون اساسی)،
۴۳. تعیین حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی پس از تشکیل

آنها توسط شورای عالی امنیت ملی (اصل یکصد و هفتاد و ششم قانون اساسی)،
 ۴۴. تعیین شیوه کار و کیفیت انتخاب و شرایط آن در مورد شورای بازنگری قانون اساسی
 (اصل یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی).

ج) موارد خارج از صلاحیت قانونگذاری مجلس

علیرغم عام بودن صلاحیت قانونگذاری مجلس شورای اسلامی در فرض عدم مغایرت با موازین شرعی و قانون اساسی، از آنجایی که قانون اساسی وضع قاعده درباره برخی از موضوعات را به مراجع دیگری سپرده قاعداً مجلس در این موارد حق تقنین نخواهد داشت. همچنین، قانون اساسی برخی از امور را کاملاً ممنوع دانسته است و لذا هیچ نهادی، از جمله مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند خلاف آن «قانون» تصویب کند. موارد مذکور به شرح زیر می‌باشند:

۱. تفسیر رسمی از قانون اساسی برعهده شورای نگهبان است (اصل نود و هشتم قانون اساسی)؛^۱
۲. تصویب قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین‌نامه داخلی آنها در صلاحیت مجلس خبرگان است (اصل یکصد و هشتم قانون اساسی)؛
۳. تصویب سیاست‌های کلی نظام برعهده رهبر است (بند «۱» اصل یکصد و دهم قانون اساسی)؛
۴. تدوین مقررات مربوط به مجمع تشخیص مصلحت نظام از اختیارات خود آن مجمع بوده و به تأیید نهایی رهبر می‌رسد (اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی)؛
۵. تصویب طرح‌های نمایندگان در صورت داشتن بار مالی بدون تعیین محل تأمین آن خارج از صلاحیت مجلس است (اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی)؛^۲
۶. وظایف و اختیارات شورای عالی امنیت ملی مانند تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف رهبر از صلاحیت‌های مجلس خارج است. همچنین است تشکیل شوراهای فرعی در این شورا و تصویب تشکیلات آنها (اصل یکصد و هفتاد و ششم قانون اساسی)؛
۷. سلب آزادی‌های مشروع افراد، توسط هیچ مقامی حتی قانونگذار، ممکن نیست (اصل نهم

۱. همچنین ر.ک. نظریه تفسیری شورای نگهبان به شماره ۷۹/۲۱/۸۹۲ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳ و نظریه شماره ۹۷۵۱ مورخ ۱۳۶۲/۷/۲۷ شورای نگهبان.

۲. قابل ذکر است که براساس اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی «طرح‌های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان درخصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد». به بیان دیگر، چنین طرح‌هایی در مجلس قابلیت مطرح شدن ندارد چه رسد به اینکه به تصویب نیز برسد. مشابه حکم اصل مذکور، در بند «۵۵» ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۸ و بند «۱۱» ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۹ در مورد مصوبات هیئت وزیران به تصویب مجلس رسیده است. قابل ذکر است که تشخیص مورد برعهده نهاد ناظر است که در مورد مجلس، شورای نگهبان و در مورد هیئت وزیران، رئیس مجلس و هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به این امر می‌پردازد.



قانون اساسی)،

۸. دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به خارجی‌ان مطلقاً ممنوع است (اصل هشتادویکم قانون اساسی)،
۹. انتقال بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی و منحصر به فرد باشد، ممنوع است (اصل هشتادوسوم قانون اساسی)،
۱۰. تغییرات غیرجزئی در خطوط مرزی ممنوع است (اصل هفتادوهشتم قانون اساسی).

۲-۱-۱. نظارت بر امور کشور

علاوه بر وظیفه قانونگذاری، مجلس از صلاحیت‌های نظارتی نیز در برخی امور برخوردار است و به این منظور قانون اساسی ابزارهایی را در اختیار آن قرار داده است که در موارد مختلف می‌تواند از این ابزارها بهره گیرد. این‌گونه صلاحیت‌ها غالباً به این علت که نمایندگان مجلس نمایندگی از عموم ملت مسلمان ایران دارند به این نهاد واگذار شده است و باعث شده قوه مقننه از نوعی جایگاه نظارتی نسبت به سایر قوا و نهادهای حکومتی برخوردار باشد.

نظارت مجلس شورای اسلامی توسط ارکان مختلفی در این نهاد صورت می‌گیرد. این نظارت‌ها گاهی توسط کل مجلس صورت می‌گیرد مانند استیضاح و سؤال. گاهی توسط هر یک از نمایندگان صورت می‌گیرد مانند تذکر. گاهی توسط رئیس مجلس صورت می‌گیرد که نظارت بر مقررات دولتی است. گاهی هم توسط کمیسیون مجلس صورت می‌گیرد مانند کمیسیون اصل نودم قانون اساسی. گاهی هم توسط نهاد زیرمجموعه مجلس صورت می‌گیرد مانند نظارت مالی دیوان محاسبات کشور.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و «قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی» و همچنین برخی از قوانین دیگر، شیوه‌ها و ابزارهای متعددی برای نظارت مجلس بر سایر دستگاه‌ها و قوای حکومتی و نیز نظارت بر خود مجلس شورای اسلامی پیش‌بینی شده است. به‌طور کلی می‌توان ابزارهای نظارتی مجلس را به شرح زیر دانست:

۱. تذکر،
- تذکر شفاهی،
- تذکر کتبی،
۲. سؤال،
۳. استیضاح،
۴. تحقیق و تفحص،

۵. رأی اعتماد،
۶. کمیسیون اصل نودم قانون اساسی،
۷. نظارت دیوان محاسبات کشور،
۸. نظارت رئیس مجلس بر مقررات دولت،
۹. نمایندگان ناظر در شوراها،
۱۰. دریافت گزارش از نهادهای دولتی،
۱۱. نظارت خاص کمیسیون‌های تخصصی،
۱۲. ایجاد کمیسیون ویژه به منظور نظارت،
۱۳. تصویب برخی موارد اجرایی خاص و مهم،
۱۴. نظارت موضوع ماده (۲۳۳) آیین‌نامه داخلی مجلس.

لازم به ذکر است که در خصوص وظیفه نظارتی مجلس شورای اسلامی گزارش دیگری تحت عنوان «ابزارهای نظارتی مجلس شورای اسلامی» از همین مجموعه تهیه شده است که تفصیل و توضیح بیشتر این مطالب در آنجا صورت گرفته است.

۲-۱. نظارت مجلس بر مجلس

جایگاه باارزش، مهم و حساس مجلس شورای اسلامی اقتضا می‌کند تا همچنان که این نهاد بر سایر دستگاه‌های اجرایی و قوای حکومتی دارای صلاحیت نظارتی است، سازوکاری برای نظارت بر خود مجلس و نمایندگان نیز داشته باشد تا برخی کوتاهی‌ها و اشتباهات موجب تنزل جایگاه والای مجلس شورای اسلامی نگردد. مقام معظم رهبری در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۸ بر روی این موضوع تأکید کرده و فرمودند: «مجلس نسبت به دستگاه‌های اجرایی کشور شأن نظارتی دارد که خوب، چیز بسیار بااهمیتی هم هست، یک شأن نظارتی هم برای خود مجلس و برای آحاد نمایندگان تعریف کنید... اگر امروز با قدرتی که خدا به شما داده - توان نمایندگی - می‌توانید این ابزار کنترلی را کار بگذارید، ولی کار نگذارید، از شما سؤال خواهد شد... نماینده - مثل همه ماها - در معرض این جور لغزش‌ها و آسیب‌ها قرار دارد. مال، فتنه‌انگیز است. این، حرف من نیست؛ حرف امام سجاد (علیه‌الصلاة و السلام) است؛ «المال الفتون»؛ مال فتنه‌انگیز. پول، فتنه‌انگیز است؛ دلها را از راه [به] در می‌برد؛ خیلی‌ها را می‌لرزاند؛ کسانی که آدم خیال نمی‌کند اینها هم بلغزند، اما آدم می‌بیند گاهی می‌لغزند. قدرت هم همین جور است، رودربایستی هم همین جور است، محبت‌ها هم همین جور است، دشمنی‌ها هم همین جور است؛ ماها را می‌لغزند. یک جایی



باید بر کارش نظارت کند. خدا را شکر می‌کنیم که شما برادران و خواهران با دل بیدار از این مسئله استقبال می‌کنید». ایشان همچنین در دیدار دیگری که با نمایندگان مجلس مورخ ۱۳۹۰/۳/۸ داشتند نظارت مجلس بر خود را مصداق تقوای جمعی دانستند و بیان داشتند «تقوای جمعی این است که جمع‌ها مراقب خودشان باشند. جمع به حیث جمع، مراقب خودشان باشند. بی‌مراقبتی جمع‌ها نسبت به مجموعه خودشان، موجب می‌شود که حتی آدم‌هایی هم که در بین آن جمع‌ها تقوای فردی دارند، با حرکت عمومی آن جمع‌ها بغلتند و به جایی بروند که نمی‌خواهند. ... من پارسال به شما عرض کردم که در داخل مجلس شورای اسلامی، خود نظارتی بگذارید. این، همان تقوای جمعی است. مجموعه، خود را بپایید. حالا حرف‌هایی گوشه کنار زدند که نماینده باید آزاد باشد، چه باشد. کسی با آزادی نماینده مخالف نیست؛ با کج‌رفتاری نماینده مخالف است. یک نماینده کج‌رفتار ممکن است مجلس شورای اسلامی را بدنام کند، متهم کند، حیف نیست؟ مجلس به این عظمت، این نهاد قانونی اساسی در کشور».

۲. ارتباط مجلس با نهادهای حکومتی

۲-۱. ارتباط با رهبری

مطابق مبانی تشیع، مشروعیت حکومت و ارکان مختلف آن از طریق ولی فقیه تأمین می‌شود و لذا هریک از قوا به نحوی به ولی فقیه منتسب می‌شود: حکم رئیس‌جمهور توسط رهبر تنفیذ می‌شود،^۱ شورای نگهبان بر مصوبات مجلس نظارت می‌کند^۲ و نصب و عزل رئیس قوه قضائیه توسط رهبر انجام می‌گیرد.^۳ براساس اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت برطبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند».

در این اصل، مهمترین ضوابطی که در تنظیم روابط قوای سه‌گانه به آنها تأکید شده است اصل استقلال قوای سه‌گانه به معنای تمایز قوا و عدم مداخله در حوزه صلاحیت‌ها و اختیارات یکدیگر و همکاری و تعاون قوا به‌عنوان اجزای پیکره واحد حکومت اسلامی در اجرای هرچه مناسب‌تر وظایف و تکالیف قانونی می‌باشد.

مقام ولایت نیز مطابق اصل پنجاه و هفتم و بند «۷» اصل یکصد و دهم قانون اساسی، مهمترین

۱. بند «۱۰» اصل یکصد و دهم قانون اساسی.

۲. اصول مختلف قانون اساسی از جمله اصول هفتاد و یکم و هفتاد و دوم قانون اساسی.

۳. اصل یکصد و پنجاه و هشتم و بند «۶» اصل یکصد و دهم قانون اساسی.

متولی نظارت بر قوای سه‌گانه و عهده‌دار تنظیم روابط میان آنهاست تا این تعاون در عین حفظ استقلال قوا به نحو هرچه بهتری صورت گیرد. در این راستا، برخی ارتباطات خاص نیز میان نهاد رهبری و مجلس شورای اسلامی وجود خواهد داشت که به شرح زیر ارائه می‌گردند:

۱-۱-۲. تنظیم روابط مجلس شورای اسلامی با سایر قوا توسط رهبری

در مقام تقسیم وظایف و تنظیم ارتباطات مجلس شورای اسلامی با سایر نهادهای حکومتی، نهاد رهبری جایگاهی خاص خواهد داشت. چراکه رهبری به‌عنوان نهاد تنظیم‌کننده روابط میان قوای سه‌گانه و همچنین حل اختلاف میان آنها (مطابق بند «۷» از اصل یکصد و نهم قانون اساسی)، چه در شرایط عادی و چه در شرایط بروز اختلاف حکم میانجی و تنظیم‌کننده روابط مجلس شورای اسلامی را با سایر نهادهای حکومتی خواهد داشت. بند «۷» اصل یکصد و نهم قانون اساسی یکی از وظایف رهبری را «تنظیم روابط قوای سه‌گانه» اعلام کرده است.

۲-۱-۲. حل اختلاف میان مجلس و سایر نهادها توسط رهبری

مطابق بند «۷» از اصل یکصد و نهم قانون اساسی، مقام رهبری مرجع حل اختلاف میان قوای سه‌گانه به‌شمار می‌آید. بند «۸» همین اصل نیز صلاحیت «حل معضلات نظام» را در اختیار شخص رهبری دانسته که در مواردی که از طرق عادی قابل حل نیست آنها را از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام حل و فصل نماید. در نتیجه در صورت بروز اختلاف میان مجلس شورای اسلامی و سایر قوا یا بروز هرگونه مشکلی که به معضل نظام تبدیل شود، مقام رهبری به حل اختلاف پرداخته و یا با بهره‌گیری از مجمع تشخیص مصلحت به‌عنوان بازوی مشورتی خود به حل معضل ایجاد شده خواهد پرداخت.

۲-۱-۳. نظارت بر مجلس شورای اسلامی توسط رهبری

مطابق اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی قوای سه‌گانه زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت اعمال می‌گردند. در نتیجه مقام رهبری به‌عنوان مهمترین نهاد ناظر در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نظارت بر عملکرد قوای سه‌گانه و از جمله مجلس شورای اسلامی را برعهده خواهد داشت. این مقام با عنایت به توانایی‌ها و ویژگی‌های شخصی خود بیش از همه با اهداف و اصول نظام اسلامی آشنایی داشته و لذا بهترین راهنما و ناظر به‌منظور حرکت در جهت آرمان‌های نظام اسلامی و عدم انحراف از آن خواهد بود.

۲-۱-۴. لزوم اجرا و حرکت در راستای سیاست‌های کلی نظام

بند «۱» از اصل یکصد و نهم قانون اساسی تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران را



برعهده مقام رهبری قرار داده است که این مهم پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام توسط ایشان صورت می‌گیرد. مطابق بند «۲» این اصل نظارت بر حسن اجرای این سیاست‌ها نیز برعهده مقام رهبری خواهد بود.

تحقق سیاست‌های کلی نظام در بسیاری از موارد نیازمند تصویب قوانین جدید ازسوی مجلس شورای اسلامی و یا تغییر قوانین موجود است. لذا ابلاغ سیاست‌های کلی نظام ازسوی مقام معظم رهبری تکلیفی را برای مجلس درخصوص قانونگذاری جدید ایجاد می‌نماید و مجلس را موظف به تحقق این سیاست‌ها از طریق قانونگذاری می‌سازد. به‌عنوان مثال رهبر معظم انقلاب هنگام ابلاغ «سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی» این تذکر را دادند که «اجرای این سیاست‌ها مستلزم تصویب قوانین جدید و بعضاً تغییراتی در قوانین موجود است؛ لازم است دولت و مجلس محترم در این زمینه با یکدیگر همکاری نمایند».

تاکنون سیاست‌های کلی نظام در حوزه‌های متعددی ازسوی مقام معظم رهبری ابلاغ شده است. همچنین مقام معظم رهبری وظیفه نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام را به مجمع تشخیص مصلحت نظام تفویض کرده‌اند.

۵-۱-۲. صدور فرمان اجرای همه‌پرسی توسط رهبری

طبق اصل پنجاه‌ونهم قانون اساسی، در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد و درخواست مراجعه به آرای عمومی هم باید به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس برسد. همچنین طبق بند «۳» اصل یکصدودهم قانون اساسی، صدور فرمان همه‌پرسی در صلاحیت رهبر است. در نتیجه این دو اصل پس از تصویب دوسوم نمایندگان، همه‌پرسی در صورتی اجرا می‌شود که فرمان اجرای آن توسط رهبری صادر گردد.

۲-۲. ارتباط با قوه مجریه

مجلس به‌عنوان مهمترین رکن قوه مقننه ناگزیر در راستای اعمال وظایف و صلاحیت‌های خود ارتباط‌هایی را با قوه مجریه خواهد داشت. اهم این روابط دوجانبه به شرح زیر دسته‌بندی و ارائه می‌گردند:

۱-۲-۲. نظارت سیاسی بر مقامات قوه مجریه

وزرا برای احراز مقام سیاسی و اجرایی خود به استناد اصل یکصدوسی‌وسوم قانون اساسی، نیازمند اخذ رأی اعتماد از مجلس شورای اسلامی هستند. همچنین طبق اصول یکصدویست‌ودوم و

یکصدوسی و هفتم قانون اساسی، وزرا و رئیس‌جمهور در قبال انجام وظایف قانونی خود در برابر مجلس مسئولیت سیاسی دارند. براساس این مجلس از حق نظارت سیاسی بر اعمال و عملکرد وزرا و رئیس‌جمهور در چارچوب قانون اساسی، برخوردار است. نظارت سیاسی می‌تواند به مسئولیت سیاسی مقام نظارت‌شونده، منجر شود، مسئولیت سیاسی فاقد ضمانت اجرای مدنی و کیفری است، اما در حوزه حقوق اساسی عزل یا برکناری مقام سیاسی از پست مورد تصدی به‌عنوان ضمانت اجرای مسئولیت سیاسی به‌شمار می‌رود.

۲-۲-۲. بررسی و تصویب لوایح (به‌ویژه لوایح برنامه و بودجه)

از آنجایی که تنها نهاد قانونگذار در نظام حقوقی داخلی مجلس شورای اسلامی است، دولت موظف است در مواردی که نیاز به وجود قانونی در زمینه یا موضوعی خاص احساس می‌کند اقدام به تقدیم لایحه به مجلس نماید تا قانونگذاری در آن موضوع مطابق صلاحدید مجلس و توسط این نهاد صورت گیرد. (اصل هفتاد و چهارم قانون اساسی) از این طریق مجلس شورای اسلامی ارتباطی وثیق با قوه مجریه پیدا خواهد کرد چراکه از یکسو تصمیم‌گیری نهایی در خصوص لوایح پیشنهادی دولت برعهده او بوده و از سوی دیگر رئیس‌جمهور و وزرا مطابق اصل هفتادم قانون اساسی می‌توانند در جلسات بررسی این لوایح شرکت کرده و نظر خود را اعلام نمایند.

اهمیت تصویب لوایح دولت در خصوص لوایح برنامه پنج‌ساله توسعه و بودجه سالیانه دوچندان خواهد بود. چراکه این لوایح درحقیقت سازنده خط‌مشی دولت و چارچوب‌های کلی برنامه‌ای و مالی دولت بوده و لذا مجلس شورای اسلامی می‌تواند از این طریق بر قوه مجریه تفوق داشته و نظر خود را در این روند اعمال نماید.

۲-۲-۳. نظارت استصوابی بر تصمیمات مهم اجرایی

اگرچه مطابق اصل شصتم قانون اساسی اعمال قوه مجریه جز در اموری که برعهده رهبری گذاشته شده است از طریق رئیس‌جمهور و وزرا اعمال می‌شود، اما قانون اساسی برخی از امور اجرایی را به دلیل اهمیت آنها، موکول به تصویب مجلس شورای اسلامی کرده است. در این موارد موافقت مجلس با انجام چنین اقدامی ضروری است و بدون اخذ موافقت مجلس نمی‌توان به انجام آنها مبادرت کرد مواردی از این دست که ناظر به تصمیمات قوه مجریه است عبارتند از:

۱. صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آنها به داوری در مواردی که طرف دعوا خارجی است و در موارد مهم داخلی (اصل یکصدوسی و نهم قانون اساسی)،
۲. تصویب عهدنامه، مقاله‌نامه، قرارداد و موافقتنامه بین‌المللی (اصول هفتاد و هفتم و یکصد و بیست و پنجم قانون اساسی)،



۳. تصویب گرفتن و دادن وام یا کمک بلاعوض داخلی و خارجی از سوی دولت (اصل هشتادم قانون اساسی)،

۴. اجازه استخدام کارشناسان خارجی توسط دولت (اصل هشتاد و دوم قانون اساسی)،

۵. اجازه انتقال به غیر در مورد اموال و بناهای دولتی که از نفایس منحصر به فرد نیست (اصل هشتاد و سوم قانون اساسی).

۴-۲-۲. نظارت رئیس مجلس بر مقررہ‌گذاری‌های قوه مجریه

قوه مجریه مطابق اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی صلاحیت وضع آیین‌نامه‌ها و مقررات اجرایی را برعهده دارد. همچنین به موجب اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی، مجلس می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به دولت واگذار کند. اما باید توجه داشت به موجب ذیل اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی «... مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد». همچنین به موجب اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی «تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت وزیران بفرستد». در نتیجه رئیس مجلس شورای اسلامی صلاحیت نظارت بر عدم مغایرت مصوبات دولتی با قوانین را برعهده داشته و از این طریق می‌تواند بر حسن اجرای قوانین توسط دولت نظارت نماید.

۵-۲-۲. امکان یا الزام به شرکت رئیس‌جمهور و وزرا در مجلس

مطابق اصل هفتادم قانون اساسی رئیس‌جمهور و معاونان او و وزیران به اجتماع یا به انفراد حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می‌توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و در صورتی که نمایندگان لازم بدانند، وزرا مکلف به حضورند و هرگاه تقاضا کنند مطالبشان استماع می‌شود. در موارد استیضاح یا سؤال از رئیس‌جمهور یا وزرا نیز حضور این مقامات در مجلس الزامی خواهد بود. همچنین مطابق ماده (۱۴۸) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی کمیسیون‌ها موظفند، در موقع رسیدگی به طرح‌ها و لوایح، از وزرا و بالاترین مقام دستگاه ذیربط دعوت به عمل آورند. این حضور مستمر اعضای هیئت دولت یا نمایندگان آنها در صحن مجلس و کمیسیون‌ها تعاملات این دو قوه را تا حد زیادی بالا برده و موجبات همکاری و تعامل دو قوه را پدید آورده است.

۲-۳. ارتباط با قوه قضائیه

مطابق اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی قوه قضائیه پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار رسیدگی و صدور حکم در مورد دعاوی، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع، نظارت بر حسن اجرای قوانین، کشف جرم و مجازات مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام و پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین است. صرف‌نظر از مواردی که ممکن است قوه قضائیه به تناسب وظایف خود به نمایندگان مجلس شورای اسلامی ارتباط پیدا کند، در برخی موارد نیز این دو قوه تعاملات نظام‌مندی با یکدیگر خواهند داشت.

۲-۳-۱. بررسی و تصویب لوایح قضایی

مطابق اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی تهیه لوایح قضایی در حیطه صلاحیت رئیس قوه قضائیه است. این لوایح پس از تهیه از طریق هیئت دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردند تا از این طریق وارد سلسله قواعد حقوقی شوند. این مسئله موجب می‌شود در روند بررسی و تصویب لوایح قضایی خصوصاً با عنایت به نیاز به بهره‌گیری از نظرات کارشناسانه قوه قضائیه که متولی اصلی موضوعات مرتبط با لوایح قضایی است، ارتباط مستمری میان مجلس شورای اسلامی و نمایندگان قوه قضائیه ایجاد شود. همکاری و هماهنگی این دو قوه در جهت قانونیت بخشیدن به این لوایح می‌تواند یکی از راهکارهای همکاری قوا در جهت تحقق اهداف نظام اسلامی تلقی گردد. بر این اساس، هیئت وزیران رأساً اختیار تقدیم لایحه قضایی را به مجلس ندارد. ضمن اینکه دولت صلاحیت تغییر در مفاد لایحه قضایی تقدیمی از سوی قوه قضائیه را ندارد بجز در صورت جلب موافقت رئیس قوه قضائیه.^۱

۲-۳-۲. بررسی و تصویب بودجه قوه قضائیه

همان‌گونه که بیان شد بودجه کل کشور توسط دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی شده و به

۱. نظر تفسیری شورای نگهبان در پاسخ به پرسش‌های رئیس قوه قضائیه درخصوص لوایح قضایی شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰:

۱. فرق لوایح قضایی و غیرقضایی مربوط به محتوای آن است و محتوای لوایح قضایی را فصل یازدهم قانون اساسی به‌ویژه اصول یکصد و پنجاه و هشتم، یکصد و پنجاه و هفتم و یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی و موضوعات مربوط به آنها در اصول دیگر فصل یازدهم و سایر اصول مربوط به امور قضایی معین می‌کند.

۲. هیئت دولت نمی‌تواند مستقلاً لایحه قضایی تنظیم نموده و آن را به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب نهایی ارسال نماید.

۳. لوایح قضایی که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و به دولت ارسال می‌شود، به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد. هرگونه تغییر مربوط به امور قضایی در این‌گونه لوایح فقط با جلب موافقت رئیس قوه قضائیه مجاز می‌باشد.»



تصویب می‌رسد. در این لایحه بودجه قوه قضائیه نیز وجود خواهد داشت که از طریق قوه قضائیه پیشنهاد شده است (اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی) قوه قضائیه هر ساله، بودجه پیشنهادی خود را به قوه مجریه ارائه می‌کند. این کار از طریق وزیر دادگستری به‌عنوان رابط بین قوه قضائیه با سایر قوا انجام می‌گیرد. معمولاً قوه مجریه نیز بودجه پیشنهادی را با توجه به بودجه کل کشور، با جرح و تعدیل در لایحه بودجه گنجانده و به مجلس تقدیم می‌کند.

۳-۳-۲. انتخاب حقوقدانان شورای نگهبان از میان افراد معرفی شده توسط رئیس قوه قضائیه مطابق اصل نود و یکم قانون اساسی شورای نگهبان دارای ۱۲ عضو است که ۶ عضو آن را فقها و ۶ عضو دیگر را حقوقدانان تشکیل داده‌اند. انتصاب ۶ فقیه برعهده مقام رهبری بوده و ۶ عضو حقوقدان نیز توسط رئیس قوه قضائیه به مجلس پیشنهاد می‌شوند و انتخاب نهایی آنها با مجلس است (اصول نود و یکم و نود و دوم قانون اساسی). البته در این راستا نیز همکاری و هماهنگی دستگاه قضایی و مجلس شورای اسلامی امری ضروری بوده و تأثیرات مخرب عدم هماهنگی این دو قوه در انتخاب اعضای حقوقدان شورای نگهبان در نظام حقوقی داخلی در تاریخ کوتاه نظام قابل بازبینی است.

۳-۳-۴. وزیر دادگستری

قانون اساسی در اصل یکصد و شصتم^۱ اقدام به تعیین یک شخص نموده تا عهده‌دار ارتباط میان قوه قضائیه با دو قوه دیگر باشد. بر این اساس، وزیر دادگستری به‌عنوان رابط بین قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه تعیین شده است. نحوه انتخاب وزیر دادگستری نیز به نحوی مقرر شده که هر سه قوه در این انتخاب مؤثر هستند. به این صورت که رئیس قوه قضائیه اشخاصی را به رئیس‌جمهور پیشنهاد می‌دهد و رئیس‌جمهور نیز از میان آنها یک نفر را به‌عنوان وزیر دادگستری جهت کسب رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌کند. مجلس نیز پس از بررسی سوابق و ویژگی‌های وزیر پیشنهادی، در مورد او تصمیم‌گیری می‌کند. لذا وزیر دادگستری، در نهایت، شخصی خواهد بود که مورد اتفاق سه قوه می‌باشد.

مسئولیت اصلی وزیر دادگستری، کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با دو قوه دیگر است. البته قانون اساسی اجازه داده که رئیس قوه قضائیه بتواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیرقضات را به وزیر دادگستری تفویض نماید، البته در این صورت، وزیر

۱. اصل یکصد و شصتم قانون اساسی: وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را برعهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس‌جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد. رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیرقضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزرا به‌عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی پیش‌بینی می‌شود.

دادگستری همان وظایف و اختیارات سایر وزرا به‌عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی را خواهد داشت. وزیر دادگستری در مجلس نیز به نمایندگان در مورد ابهاماتی که درخصوص قوه قضائیه دارند، توضیحات لازم را ارائه می‌کند.

۲-۴. ارتباط با سایر نهادهای حکومتی

علاوه‌بر قوای مجریه و قضائیه و نهاد رهبری، نهادهای دیگری نیز در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران وجود دارند که مجلس شورای اسلامی در راستای ایفای وظایف خود ناگزیر از ارتباط و تعامل سازنده با آنها خواهد بود. برای بررسی این دسته از تعاملات صرفاً به بررسی اجمالی تعاملات مجلس با چهار نهاد مهم پرداخته و از تفصیل موضوع خودداری کرده‌ایم.

۲-۴-۱. مجمع تشخیص مصلحت نظام

الف) آشنایی با مجمع و نحوه شکل‌گیری آن

پس از شکل‌گیری ساختار اساسی جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره) معتقد بودند که مصالح نظام از راه مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان قابل حل است زیرا طبق نظر ایشان، فقها باید در هنگام تشخیص حکم شرعی مصلحت جامعه را نیز مورد نظر قرار دهند و با عنایت به آن به تحلیل قوانین و تطبیق آن با موازین اسلامی بپردازند، اما نگرش خاص و دیدگاه فقهی فقهای محترم شورای نگهبان از یکسو و استفاده‌های مکرر مجلس شورای اسلامی از بهانه «ضرورت» برای تصویب قوانین مختلف ازسوی دیگر منجر به وقوع اختلافاتی میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان شد. در این خصوص سؤالات و استفساراتی از حضرت امام (ره) به عمل آمد و سرانجام همه بحث‌ها و سؤال و جواب‌ها که پیرامون حدود اختیارات دولت و حکومت اسلامی بود، به تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام انجامید.

این نهاد در مرحله بازنگری در قانون اساسی وارد قانون اساسی شد. مطابق اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید».

ب) ارتباط مجلس شورای اسلامی با مجمع

مجمع تشخیص مصلحت نظام دارای جایگاه خاصی در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران



خصوصاً در ارتباط با مجلس شورای اسلامی است. لذا در مواردی که مجلس شورای اسلامی با در نظر گرفتن مصلحت کشور اصرار بر عدم تأمین نظر شورای نگهبان داشته باشد، مصوبه مجلس شورای اسلامی برای این مجمع ارسال شده و مجمع درخصوص آن تصمیم‌گیری خواهد کرد، البته باید توجه داشت موارد اصرار مجلس بر عدم تأمین نظر شورای نگهبان با عنایت به ماهیت این موارد اصولاً استثنایی و خلاف قاعده بوده و نکته مهم درخصوص مصوبات ناشی از این اختلاف نیز آن است که چنین مصوبه‌ای با عنایت به نظریه تفسیری شماره ۵۳۱۸ شورای نگهبان تنها پس از گذشت زمان معتابه که تغییر مصلحت موجه باشد، قابل بازنگری یا تصویب قانون مغایر آن توسط مجلس خواهد بود.

۲-۴-۲. شورای عالی انقلاب فرهنگی

الف) آشنایی با شورای عالی انقلاب فرهنگی

تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی به سال ۱۳۵۹ باز می‌گردد که سال آغازین انقلاب فرهنگی به دستور حضرت امام خمینی (ره) محسوب می‌شود.

ستاد انقلاب فرهنگی که در این سال، با فرمان امام خمینی (ره) تشکیل شد بعدها به شورای عالی انقلاب فرهنگی تبدیل گشت. وظایفی که برعهده شورای عالی انقلاب فرهنگی گذاشته شده است را می‌توان در سه حوزه سیاستگذاری، تدوین ضوابط و نظارت تقسیم‌بندی کرد. تهیه و تدوین سیاست‌ها و طرح‌های راهبردی کشور در زمینه‌های مختلف فرهنگی ازجمله در حوزه‌های زنان، تبلیغات، اطلاع‌رسانی، چاپ و نشر، بی‌سوادی، آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، برقراری روابط علمی و پژوهشی و فرهنگی با سایر کشورها، همکاری حوزه و دانشگاه، فعالیت‌های دینی و معنوی، مقابله با تهاجم فرهنگی و سایر حوزه‌های فرهنگی مربوط ازجمله وظایف سیاستگذاری این شورا محسوب می‌شود. همچنین تعیین ضوابط تأسیس مراکز علمی و آموزشی و نیز ضوابط گزینش مدیران و استادان و دانشجویان ازجمله وظایف ضابطه‌گذاری این شورا است. بررسی و تحلیل شرایط فرهنگی ایران و جهان، بررسی الگوهای توسعه و پیامدهای فرهنگی آن، بررسی وضع فرهنگ و آموزش کشور و نیز نظارت بر اجرای مصوبات شورا ازجمله وظایف نظارتی شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد.

اعضای این شورا به دو دسته اعضای حقیقی و حقوقی تقسیم می‌شوند که هر چند سال یکبار توسط رهبر انقلاب تعیین و منصوب می‌شوند.

ب) ارتباط مجلس با شورای عالی انقلاب فرهنگی

اعتبار و وجاهت قانونی مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی به حکم ولی فقیه برمی‌گردد که در

اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی چنین صلاحیتی برای ولی فقیه به نحو اطلاق ذکر شده است. چراکه امام راحل و مقام معظم رهبری هر دو بر لازم‌الاجرا بودن مصوبات این شورا تأکید کرده‌اند. همچنین مقام معظم رهبری جهت تنظیم روابط مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی، هریک از این دو نهاد را از مداخله در اموری که دیگری در آن ورود پیدا کرده منع کرده‌اند. مقام معظم رهبری در این خصوص در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌فرماید:

«آنچه شما مصوبه دارید مثل مجلس می‌ماند. مصوبات این شورا لازم‌الاجراست، به هر جا که ابلاغ شد، دستگاه‌های اجرایی موظفند اجرا کنند. البته این جا دستگاه قانونگذاری نیست؛ نمی‌خواهیم تعبیر قانون بکنیم. کما اینکه در آن سؤالی هم که از امام شد و جوابی که ایشان فرمودند، اسم قانونگذاری نیامده...» (دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۸/۹/۲۳)

ایشان در خصوص جایگاه مصوبات این شورا در حوزه فرهنگ بیان می‌دارند: «... اینجا برای کار فرهنگی قطعاً بر مجمع تشخیص اولویت دارد حداقل اینکه اصولاً اینجا برای کار فرهنگی تشکیل شده ... اینجا منصوبین رهبری هستند که باید بنشینند و راجع به مسائل و سیاست‌های فرهنگی بحث کنند و وقتی آن بحث را به مجمع تشخیص می‌فرستند، آنجا هم باید با نظر اعتبار به اینها نگاه بکند» (دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۸/۹/۲۳).

در نتیجه مجلس شورای اسلامی موظف خواهد بود از ورود به موارد فرهنگی و موارد مرتبط با حیطه وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی که این شورا در خصوص آنها اقدام به مقررگذاری نموده است اجتناب کند و رویه شورای نگهبان نیز بر این بوده است که در این‌گونه موارد مصوبات مجلس را مغایر اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی اعلام می‌کند.

۳-۴-۲. صداوسیما

امروزه صداوسیما به‌خاطر امتیازات برجسته و فوق‌العاده‌ای که در اجرای برنامه‌های متنوع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد دارای اهمیت زیادی است. گستردگی حوزه فعالیت این رسانه و کثرت بینندگان و شنوندگان با سلیق مختلف با عنایت به تأثیرگذاری بالای این رسانه ایجاب می‌کند که این رسانه همگانی باشد و در انحصار افراد و گروه‌ها و یا دولت قرار نگیرد. به همین جهت اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی اداره صداوسیما را به سازمانی مستقل واگذار کرده است که نصب و عزل رئیس آن در اختیار مقام رهبری است.

قسمت دوم اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی نیز نظارت بر صداوسیما را به‌عهده شورایی مرکب از نمایندگان سه قوه (هرکدام دو نفر) گذاشته است.



بر همین اساس مجمع تشخیص مصلحت نظام در مصوبه ۱۳۷۰/۷/۱۱ نحوه اجرای اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی در بخش نظارت را چنین بیان کرد که شورای نظارت بر سازمان متشکل از ۶ عضو (هر قوه دو عضو) برای مدت دو سال انتخاب خواهند شد که این شورا گزارش منظم و مستمر خود را از جریان امور به مقام معظم رهبری و قوای سه‌گانه تقدیم خواهد کرد لذا مجلس شورای اسلامی علاوه بر آنکه طبق قانون اساسی باید «خطمشی و ترتیب اداره سازمان» را معین نماید، دارای دو نماینده در شورای نظارت بر صدا و سیماست که از این طریق بر این سازمان نظارت دارد.

۴-۲. شورای نگهبان

شاید بتوان شورای نگهبان را پرارتباط‌ترین نهاد حقوق اساسی با مجلس شورای اسلامی قلمداد کرد چراکه کارکرد اصلی شورای نگهبان نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی و انطباق آنها با موازین شرعی و قانون اساسی است. این ارتباط تا آن حد است که اصل نود و سوم قانون اساسی بیان می‌دارد: مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد. اگرچه بیشترین ارتباط مجلس با شورای نگهبان در نظارت شورا بر مصوبات مجلس است، لکن شورای نگهبان از دو منظر دیگر نیز در ارتباط با مجلس شورای اسلامی است که به اجمال به آنها اشاره می‌شود.

الف) نظارت شورا بر مصوبات مجلس

همان‌گونه که بیان شد مهم‌ترین ارتباط شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی لزوم نظارت این شورا بر مصوبات مجلس شورای اسلامی از حیث عدم مغایرت با قانون اساسی یا شرع است که در اصول هفتاد و دوم و نود و چهارم قانون اساسی به آن اشاره شده است.

مطابق اصل نود و چهارم قانون اساسی کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز (مطابق اصل نود و پنجم قابل تمدید برای ده روز دیگر) از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدیدنظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجراست.

در روند رسیدگی نیز مطابق اصل نود و ششم قانون اساسی تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.

ب) نظارت شورا بر انتخابات مجلس

شورای نگهبان مطابق اصل نودونهم قانون اساسی نظارت بر انتخابات‌های مختلف از جمله انتخابات مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را برعهده دارد. این صلاحیت مطابق نظریه تفسیری شماره ۱۲۳۴ مورخ ۱۳۷۰/۳/۱ شورای نگهبان استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها نیز می‌شود.

ج) امکان یا الزام به حضور اعضای شورای نگهبان در مجلس

مطابق اصل نودوهفتم قانون اساسی اعضای شورای نگهبان به‌منظور تسریع در کار می‌توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند. این اختیار درخصوص لوایح فوری می‌باید به الزام شده و در ادامه بند دوم این اصل آمده است: اما وقتی طرح یا لایحه‌ای فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار کنند. در این راستا این نکته قابل توجه است که مطابق نظریه تفسیری شماره ۱۲۵۸ مورخ ۱۳۶۸/۸/۱۵ شورای نگهبان مقصود از طرح یا لایحه فوری مذکور در اصل نودوهفتم قانون اساسی، طرح یا لایحه‌ای است که تأخیر در رسیدگی به آن مستلزم وقوع خسارت یا فوت فرصت باشد و لوایح و طرح‌هایی را که رسیدگی به آن در این حد از لزوم نیست شامل نمی‌شود.

چنین تفسیری با عنایت به تعاریف مذکور درخصوص موارد فوریتی در آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی موجب شده است طرح‌ها و لوایح یک‌فوریتی از شمول موارد الزام به حضور اعضای شورای نگهبان در جلسات مجلس شورای اسلامی خارج شود و صرفاً در موارد دو و سه فوریتی این الزام وجود داشته باشد.

د) انتخاب حقوقدانان شورا توسط مجلس

در مقابل صلاحیت‌های پیش گفته که ناظر به نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس شورای اسلامی یا نظارت بر مرحله شکل‌گیری این مجلس بود، مجلس شورای اسلامی نیز تأثیرگذار بر شورای نگهبان است. همان‌گونه که بیان شد مطابق بند «۲» از اصل نودویکم قانون اساسی اعضای حقوقدان شورای نگهبان که نیمی از اعضای ۱۲ نفره این شورا را تشکیل می‌دهند پس از پیشنهاد ازسوی رئیس قوه قضائیه توسط مجلس شورای اسلامی انتخاب می‌شوند. این صلاحیت مجلس موجب می‌شود خود بتواند در انتخاب اشخاصی که بر مصوبات مجلس نظارت می‌کنند تصمیم‌گیر باشد. این صلاحیت نشان از همگرایی نهادهای اساسی جمهوری اسلامی ایران و هم‌جهت بودن آنها در وصول به اهداف نظام و همکاری در اجرای قانون اساسی دارد.



تصویب بودجه شورای نگهبان توسط مجلس و دعوت از نمایندگان شورا برای شرکت در جلسات کمیسیون‌ها در مواردی که مصوبه‌ای از سوی این شورا عودت داده شده است از دیگر موارد ارتباط شورا و مجلس به‌شمار می‌آیند.

۴-۲. شوراهای اسلامی

یکی از نهادهای مذکور در قانون اساسی شوراهای اسلامی هستند که به‌عنوان نهادهای غیردولتی در مدیریت امور محلی تخصص داشته و به نمایندگی از مردم محل (شهر، روستا یا استان) با مسئولین محلی همکاری کرده و بر اداره امور محلی نیز نظارت می‌کنند.

این شوراها که مطابق اصل هفتم قانون اساسی از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند مطابق اصل صدم قانون اساسی در محدوده هر ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان تشکیل می‌شوند و شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله‌مراتب آنها را نیز قانون معین می‌کند.

لذا اولین و مهمترین ارتباط مجلس شورای اسلامی با شوراهای اسلامی از طریق وضع قانون درخصوص حدود وظایف و اختیارات این شوراها صورت می‌گیرد. با وجود این به‌طور خاص برخی تعاملات نیز میان این دو نهاد پیش‌بینی شده و وجود دارد که به اجمال به آنها اشاره می‌کنیم:

الف) نظارت بر انتخابات

برخلاف نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی و ریاست‌جمهوری که مطابق اصل نودونهم قانون اساسی برعهده شورای نگهبان است، نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی مطابق قانون به مجلس شورای اسلامی واگذار شده است.

ماده (۵۳) «قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران» (مصوب ۱۳۷۵/۳/۱) کیفیت نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی کشور را به مواد (۷۳) و (۷۴) قانون اصلاح قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور (مصوب ۱۳۶۵/۴/۲۹) ارجاع داده است.

ماده (۷۳) این قانون ذیل فصل هیئت‌های نظارت اشعار می‌دارد: به‌منظور نظارت بر امر انتخابات شوراها هیئت مرکزی نظارت بر امر انتخابات شوراهای اسلامی کشوری متشکل از سه نفر از اعضای کمیسیون شوراها و امور داخلی و دو نفر از اعضای کمیسیون اصل نودم قانون اساسی، به انتخاب مجلس شورای اسلامی تشکیل می‌شود. همچنین در تبصره آن مقرر شده است در صورتی‌که به تعداد لازم کمیسیون‌های مذکور داوطلب نباشد مجلس از میان سایر نمایندگان داوطلب پنج نفر را انتخاب می‌کند.

ماده (۷۴) قانون فوق‌الذکر نیز «هیئت عالی نظارت استان» را مرکب از سه نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی آن استان به «تعیین هیئت مرکزی نظارت» متولی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی کشوری در هر استان نموده و بیان داشته است که در هر استانی که تعداد نمایندگان آن از سه نفر کمتر باشد و یا به حدنصاب از آن استان داوطلب نباشد تعیین بقیه اعضا از بین نمایندگان استان‌های مجاور با هیئت مرکزی نظارت می‌باشد.

در نتیجه نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا برعهده مجلس شورای اسلامی و نمایندگان آن است و از این طریق مجلس نقش بسزایی در فرایند تشکیل این شوراها ایفا می‌کند.

ب) بررسی و تصویب طرح‌های شورای عالی استان‌ها

علاوه بر مورد قبل، مطابق اصل یکصد و دوم قانون اساسی شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. بند پایانی این اصل تأکید می‌کند این طرح‌ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.

در نتیجه بررسی طرح‌های پیشنهادی از سوی شورای عالی استان‌ها که عالی‌ترین شورای اسلامی به حساب می‌آید مشروط بر آنکه در حدود وظایف این شورا باشد، از جمله تکالیف مجلس شورای اسلامی به‌شمار می‌رود و در روند تصویب این طرح‌ها نیز مجلس ارتباط و تعامل مستمری را با شورای عالی استان‌ها برقرار خواهد کرد.



منابع و مأخذ

۱. اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، چاپ ششم، زمستان ۱۳۸۶.
۲. اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، مجموعه قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، چاپ دوم، بهمن ماه ۱۳۸۹.
۳. الهام، غلامحسین. گزارش نشست علمی تخصصی پیرامون مرز امور تقنینی و اجرایی، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، تابستان ۱۳۸۹.
۴. امامی، محمد و کورش استوارسنگری، حقوق اداری، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۵. راسخ، محمد. بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری، مرکز پژوهش های مجلس، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴.
۶. راسخ، محمد. ویژگی های ذاتی و عرضی قانون، نشریه مجلس و پژوهش، ش ۵۱، ۱۳۸۵.
۷. رهپیک، سیامک. گزارش نشست علمی تخصصی پیرامون مرز امور تقنینی و اجرایی، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، تابستان ۱۳۸۹.
۸. عمیدزنجانی (آیت الله)، عباسعلی و ابراهیم موسی زاده. نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۹. کاتوزیان، ناصر. مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ چهل و هشتم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
۱۰. مجموعه بیانات مقام معظم رهبری.
۱۱. مرکز تحقیقات شورای نگهبان، مجموعه نظریات شورای نگهبان، تفسیری و مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی به انضمام استفساریه ها و تذکرات ۱۳۵۹-۱۳۸۹، تهران، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، چاپ دوم، تیرماه ۱۳۸۹.
۱۲. نرم افزار لوح حق.
۱۳. گزارش بررسی اجمالی صلاحیت نظارتی مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۷۷۵۷، دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، اردیبهشت ماه ۱۳۸۵.
۱۴. گزارش گستره، ابزارها و نتایج اعمال نظارت مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۹۴۱۹، دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، دی ماه ۱۳۸۷.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۰۸۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: با نمایندگان مردم در مجلس نهم ۱. جایگاه مجلس در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

نام دفتر: مطالعات حقوقی (گروه حقوق عمومی)

تهیه و تدوین: علی بهادری

ناظر علمی: حجت‌الاسلام والمسلمین جلیل محبی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار ادبی: فرزاد جعفری

واژه‌های کلیدی:

۱. مجلس

۲. جایگاه

۳. قوه مقننه

۴. نظام حقوقی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۱۱/۳